

نقدی بر به سوی زبان‌شناسی شعر

مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۹۳.
چاپ نخست (ویراست دوم)، ۲۷۵ صفحه.

حسین محمدی^۱

۱. معرفی کتاب

کتاب به سوی زبان‌شناسی شعر اثر مشترک مهران مهاجر و محمد نبوی، ویراست دوم از کتاب آنها به نام به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا است. این کتاب با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه در پاییز ۱۳۹۳ یعنی حدوداً ۱۷ سال پس از ویراست اول توسط انتشارات آگه به چاپ رسیده است. در ویراست جدید سه مقاله دیگر یعنی مقاله‌های ترجمه‌شده «ادبیات و زبان ادبیات»، «نظریه ادبی و سبک‌شناسی» و «شعر: سویه‌های سبکی» به مقاله ترجمه‌شده قبل، یعنی «زبان و ادبیات»، اضافه شده است و در فصل سوم کتاب با عنوان «در جست‌وجوی روایتی دیگر: شعر هم‌چون فرآیند» بازنگری‌هایی انجام شده است. همان‌طور که نویسندگان در پیش‌گفتار ویراست نخست ذکر کرده‌اند، این اثر شالوده پایان‌نامه‌های دانشگاهی آنها بوده و مجموعه‌ای از نوشته‌هایی است که از زبان می‌آغازد تا به شعر برسد.

در نگاه اول، عنوان این کتاب است که بیننده کتاب را به خود جلب می‌کند، زبان‌شناسی شعر یعنی در واقع نگاه علمی به شعر و یا به تعبیر دقیق‌تر پرداختن به شعر در قالب علم زبان‌شناسی. شاید قلت آثار و نگاه‌های زبان‌شناختی به ادبیات و شعر در آثار ایرانی-فارسی، خوانندگان علاقه‌مند را دست‌کم به تورق کتاب و در نهایت مطالعه کامل آن ترغیب کند. توضیح اینکه در ایران کمتر نویسندگان یا متخصصانی به زبان‌شناسی در ادبیات یا مطالعه میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی پرداخته‌اند و بیشتر کارهای انجام‌شده در این وادی نیز به پایان‌نامه‌ها و مقالاتی محدود می‌شود که بیشتر حاصل کار دانشجویان، استادان و متخصصان زبان‌شناسی است تا متخصصان ادبیات. شاید تنها اثر تقریباً شناخته‌شده درباره زبان‌شناسی ادبیات کتاب کورش صفوی با عنوان از زبان‌شناسی به ادبیات باشد که

۱. استادیار دانشگاه گنبد کاووس.

در قالب دو جلد به زبان‌شناسی نظم^۱ و شعر^۲ پرداخته است. به نظر می‌رسد اگر متخصصان ادبیات نیز به دانش زبان‌شناسی مجهز باشند و کارهایی در این راستا به انجام برسانند آثاری خلق خواهد شد که نه تنها از جنبه‌هایی، بهتر از آثار زبان‌شناسان خواهد بود، بلکه به نگاه‌هایی متفاوت خواهد انجامید. از این نظر در برهوت مطالعاتی از این دست و خصوصاً مطالعاتی که در زمینه نقش‌گرایی فارسی انجام گرفته است، این اثر شایسته تشویق است.

کتاب در چهار فصل سامان یافته است. فصل اول با عنوان «زبان: شالوده نشانه‌ای اجتماع» مقاله‌ای است مشترک از هر دو نویسنده. فصل دوم با عنوان «زبان‌شناسی و بوطیقا» برگردانی از چهار مقاله خارجی که به وسیله هر دو نویسنده انجام شده است. فصل سوم مقاله‌ای از محمد نبوی است و فصل چهارم را مقاله مهران مهاجر تشکیل می‌دهد.

در فصل اول، درآمدی بر زبان‌شناسی سیستمی-نقش‌گرای ام. ای. کی. هلیدی ارائه شده است. نویسندگان این فصل علاوه بر معرفی دستور سیستمی-نقش‌گرای هلیدی به دیگر مباحث مورد توجه وی نیز نظری داشته‌اند و این مباحث را از نگاه هلیدی و دیگر زبان‌شناسان و متخصصانی که به آنها پرداخته‌اند مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در واقع در این فصل بیش از آن که به دستور سیستمی-نقش‌گرا پرداخته شود به آرای هلیدی پرداخته شده است. مثال‌های فارسی ارائه‌شده در این فصل و تحلیل‌های متنی و جداولی که برای آنها ارائه شده است، تقریباً بی‌نقص است. به جرئت می‌توان گفت، کتاب مذکور از اندک کتب فارسی است که تحلیل‌های متنی و نقشی جملات فارسی را به دقت ثبت کرده است و این بخش می‌تواند برای کسانی که در زمینه نقش‌گرایی فارسی کار می‌کنند بسیار مفید باشد.

فصل دوم با عنوان «زبان‌شناسی و بوطیقا» با برگردانی از مقاله هلیدی با عنوان «زبان و ادبیات» آغاز می‌شود. این مقاله به گفته هلیدی به شیوه درک متون ادبی و توصیف ساخت ادبی و چرایی ساخت ادبی چنین متونی می‌پردازد تا از این رهگذر به تربیت سبک‌شناس بپردازد. مقاله دوم با عنوان «ادبیات و زبان ادبیات» نوشته مشترک ب. برتون و ر. کارتر است. نویسندگان این مقاله ابتدا معیارهایی برای تشخیص متون ادبی از غیر ادبی ارائه می‌دهند؛ معیارهایی همچون رسانه بستگی، گونه‌گردانی، چگالی معنایی، چندمعنایی و... و از این نگاه کارکردهای گفتمان ادبی برای

۱. صفوی، کورش (۱۳۹۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد اول: نظم. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سوره مهر.

۲. صفوی، کورش (۱۳۹۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد دوم: شعر. چاپ سوم. تهران: انتشارات سوره مهر.

رسیدن به مقاصد اجتماعی و فرهنگی تفسیر می‌شود. سومین مقاله با عنوان «نظریه ادبی و سبک‌شناسی» از ک. گرین است. گرین در این مقاله به توصیف سبک‌شناسی و رابطه آن با نظریه ادبی می‌پردازد و سپس در ادامه به‌طور خاص سبک‌شناسی شناختی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله چهارم با عنوان «شعر: سویه‌های سبکی» نوشته ل. جفریز با درآمدی درباره ویژگی‌های شاخص شعر و رویکردهای سبک‌شناختی به ادبیات آغاز می‌شود و رشد و تکوین زبان‌شناسی و تمامی زیرشاخه‌های آن را که به شکوفایی رویکردهای زبان‌شناختی در زمینه‌ی سبک انجامیده است، خاطر نشان می‌سازد. در ادامه به وجوه مختلف شعر از جمله موسیقی، کلمات، دستور و رویکردهای بافتاری متن در بررسی زبان می‌پردازد.

فصل سوم با عنوان «در جست‌وجوی روایتی دیگر: شعر هم‌چون فرآیند»، با گذری تاریخی به روایت‌های مختلف از شعر می‌پردازد و در ادامه به بیان شعر هم‌چون فرآیند می‌پردازد. در نهایت فصل پایانی با عنوان «گفت‌وگو با چند شعر نیما» حدوداً ۶ شعر او را با نگاهی نقش‌گرایانه تفسیر می‌کند و فضای گفت‌وگو با اشعار را نیز ترسیم می‌کند.

۲. نقدی بر کتاب

خواننده آگاه به علم زبان‌شناسی حتی پس از مطالعه صفحاتی گزینشی از کتاب پی می‌برد که اثر حاضر نگاهی نقش‌گرایانه و آن هم از نوع سیستمی-نقش‌گرا داشته است، در صورتی که در عنوان کتاب به آن اشاره‌ای نمی‌شود و شاید عنوان ویراست قبلی برانده‌تر باشد. از طرف دیگر در ترکیب عنوان زبان‌شناسی شعر، نه عنوان زبان‌شناسی کفایت دارد و نه شعر به طور خاص مورد توجه بوده است چرا که تأکید محتوای کتاب بر دستور نقش‌گرا و یا به عبارتی زبان‌شناسی نقش‌گرا است و نه زبان‌شناسی به طور عام و شعر نیز تنها بخشی از نقطه تمرکز کتاب یعنی ادبیات است. نکته دیگر اینکه برخلاف عنوان، کتاب تنها از صفحه‌ی ۱۲۲ یعنی مقاله‌ی «شعر: سویه‌های سبکی» است که کتاب به‌طور خاص به شعر می‌پردازد و تا قبل از این مقاله بیشتر صحبت از ادبیات و زبان ادبی است و نه شعر. نکته چهارم، نام نویسندگان بر جلد کتاب است که به‌طور پیش‌فرض آنها را مؤلفان کتاب معرفی می‌کند! درحالی‌که یک سوم حجم کتاب را ترجمه‌ای از چهار مقاله خارجی تشکیل می‌دهد و شاید تعبیر ترجمه و تالیف تعبیری بهتر باشد. ترتیب فصول و ترتیب ارائه مطالب کتاب از منطبق خاصی برخوردار نیست و ساختار پایان‌نامه در آن احساس می‌شود.

هرچند اشتباه در حروف‌چینی و چاپی کتاب، اندک است با این حال رویه‌ای که نویسندگان در

جدانویسی کلمات در پیش گرفته‌اند و خود در قسمت پیش‌گفتار ویراست نخست نیز به چنین امری اعتراف داشته‌اند تا حدی افراطی و شخصی است و متن را نازیبا نموده است؛ چرا که چنین صورتی از ترکیب‌های فارسی به چشم خواننده فارسی بیگانه می‌نماید. از آنجایی که عنوان کتاب نگاهی علمی خصوصاً زبان‌شناختی را به خوانندگان معرفی می‌کند، انتظار می‌رود مقولاتی همچون ابداع و نوآوری در خط فارسی نیز با نگاه علمی آنها مطابقت داشته باشد. همان‌طور که می‌دانیم صرف زبان فارسی یا به تعبیر دقیق‌تر ساخت واژگان فارسی روزبه‌روز به سوی تحلیلی شدن پیش می‌رود و واژگان فارسی بیش و پیش از تکواژهای سازنده آنها در چشم خوانندگان دریافت و تفسیر می‌شود. پس چه نیازی است که تحول تاریخی-ریشه‌شناختی و تکواژهای سازنده واژگان را در خط فارسی برای خوانندگان آشکار سازیم و یا به عبارتی معرفی کنیم؟ و آن هم به صورتی افراطی! و اگر بنایی هم بر این کار باشد یعنی بخواهیم فرهنگ جدانویسی محض را رواج دهیم - چرا که فرهنگ منطقی و به‌هنگار آن هم‌اکنون خود رایج است - اسلوب و شیوه علمی خاصی دارد که زبان‌شناسان به آن واقف هستند. اگر قرار باشد هر نویسنده‌ای نظر و علاقه شخصی خود را در نوشتار و یا حتی دستور زبان در یکی از آثار و یا تمامی آثار خود به کار بندد، هرج و مرج بر آن زبان جاری خواهد شد. علم زبان‌شناسی که چارچوب کتاب نیز بر آن استوار است اذعان می‌دارد که هرگونه برنامه‌ریزی زبانی از جمله تغییر در خط نیاز به مطالعات زبانی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و حتی شاید سیاسی دارد. و سپس در گام بعدی با ارائه مقالات متعدد در توجیه چنین تغییراتی و حتی ارائه کتاب‌هایی در آن زمینه خاص و در نهایت پس از مقبولیت زبانی و ملی، شاید بتوان معیار یا در واقع استاندارد خاصی را برای آن نوآوری یا بدعت در خط ارائه داد و همه را ملزم به رعایت آن نمود. از جمله جدانویسی‌های نامقبول و ناآشنای خط فارسی در متن حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: یک‌پارچه (ص ۱۵)، هم‌گون (ص ۱۵)، زبان‌وران (ص ۶۶) (البته گویشور نه زبان‌ورا)، دانش‌گاه (ص ۷۴)، هم‌راهان/ش (ص ۷۴)، هم‌راه (در سراسر کتاب)، نایک‌سانی (ص ۱۴۵)، رضمون (ص ۲۰۹).

باز هم لازم است خاطر نشان شود که برای رد هر کدام از این جدانویسی‌های عجیب و غریب علاوه بر موارد مذکور، دلایل زبان‌شناختی دیگری نیز می‌توان ذکر کرد که به‌کارگیری آنها از طرف نویسندگان زبان‌شناس کتاب بسی قابل تأمل است.

نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند گهگاهی در نوشته‌های خود -جدای از ترجمه مقالات- زبان، واژگان، ساختار و لحنی ادبی را در پیش گیرند تا با عنوان کتاب همخوانی داشته باشد و البته به صورت یکدست هم به چنین امری نپرداخته‌اند. همین تناوب گاه‌به‌گاه بین نثر ادبی و نثر فنی در

نوشته آنها، یکدستی و انسجام متن را تحت تاثیر منفی قرار داده است.

دستور سیستمی- نقش‌گرا سعی داشته و دارد که تفسیر و تبیینی صوری، ساختارمند، عینی و شماتیک از متون مورد بررسی ارائه دهد؛ درست همان‌طور که نویسندگان کتاب در معرفی این‌گونه نقش‌گرایی در فصل اول کتاب به نمودارها و جداول تحلیلی متوسل شده‌اند. اما در فصول ۳ و ۴ نویسندگان در تحلیل‌های شعری خود که در واقع هدف اصلی کتاب است متون اشعار را به همان شیوه سنتی و غیرزبان‌شناختی خصوصاً غیرنقش‌گرایی تفسیر کرده‌اند یا بهتر بگوییم تفسیر معنا نموده‌اند و اثری از جدول و نمودار نیست! هرچند که توضیحات بسیار جامعی ارائه شده، ولی توضیح و تصویر روشن و نقش‌گرایانه‌ای از اشعار ارائه‌شده در اختیار خوانندگان کتاب قرار نمی‌دهد.

در کاربرد و ترجمه اصطلاحات زبان‌شناختی و ادبی نویسندگان تا جایی که توانسته‌اند معادل‌های فارسی و اصطلاحات رایج را به‌کار برده‌اند ولی گاهی اوقات درباره چند واژه اغماض کرده‌اند؛ که شاید دلیل خاصی داشته است. به‌طور مثال کاربرد اصطلاحاتی همچون: رتوریک^۱، الوکوتی‌یو^۲ و استه‌تیک^۳.

همچنین نویسندگان کتاب برخی معادل‌ها و اصطلاحاتی به‌کار برده‌اند که به ذهن خواننده فارسی‌زبان کمی غریب است؛ مانند *ایستار* (ص ۳۶)، *سرنمون* (ص ۱۰۱)، *رانه* (ص ۱۴۹) و *فعل* (ص ۴۰).

در فصل سوم کتاب در ترجمه مقاله جفریز به بخش‌هایی از شعرهای انگلیسی اشاره شده است و ترجمه‌ای نیز برای آنها ارائه شده که نقدی بر آنها نیست؛ اما لازم بود که عنوان اصلی این اشعار نیز قید می‌شد و به ترجمه آنها کفایت نمی‌شد، مگر این اشعار در جایی دیگر به فارسی برگردانده شده باشد و به آنها ارجاع داده شود که در اینجا نیز این‌گونه نیست.

در مورد برخی از اصطلاحات تخصصی و فنی انگلیسی کتاب که به فارسی ترجمه شده است معادل اصلی آنها در پانویس ذکر نشده و به علت کلیدی بودنشان عنوان اصلی آنها لازم است، هرچند که آنها را در بخش واژه‌نامه پایانی کتاب آورده باشند. مواردی همچون: *نویسا* و *گشوده* (ص ۱۹۳)، *رمزگان گسترده و محدود* (ص ۲۰۴)، *اجتماع‌های تفسیری* (ص ۲۰۴)، *استه‌تیک* (ص ۲۱۴).

۱. بلاغی (rhetorical)

۲. فصیح (eloquent)

۳. زیبایی‌شناختی (aesthetics)

غلط‌های حروف‌چینی اندکی نیز در متن دیده می‌شود که نمونه‌هایی از آن در زیر ذکر می‌شود:

- ترکیب *ont-to-one* که صورت صحیح آن *one-to-one* است (ص ۵۱)؛
- ترکیب انگلیسی *metaphorical verbla act* که صورت صحیح آن *metaphorical verbal act* است (پانویس ص ۵۱)؛
- ترکیب انگلیسی *discourse potterning* که صورت صحیح آن *discourse patterning* است (پانویس ص ۱۰۵)؛
- واژه انگلیسی *vowel* که صورت جمع آن یعنی *vowels* باید بیاید (ص ۱۲۶)؛
- واژه دگرگونی‌هایی که صورت صحیح آن دگرگونی‌های است (ص ۱۳۵).

در نهایت با نگاهی به آثار زبان‌شناسی چاپ‌شده در ایران، متوجه می‌شویم که بیشتر مطالعات زبان‌شناختی ایرانیان در قالب نظریه ساختگرایی به انجام رسیده است و جنبه‌های مختلف زبان فارسی از منظر ساختگرایی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. اکنون پس از سال‌ها قلم زدن ایرانیان در مکتب ساختگرایی، در سال‌های اخیر زبان‌شناسی نقش‌گرا از جمله مباحثی است که مورد توجه استادان، پژوهشگران و دانشجویان زبان‌شناسی، ادبیات و ترجمه قرار گرفته است. در این مسیر، کتاب حاضر می‌تواند نکاتی چند در زمینه اسلوب و شیوه تحلیل در قالب نظریه نقشگرایی هلیدی را در اختیار علاقمندان آن قرار دهد.